

آغازگر لایه‌ای، مفهومی تازه در نقشگرایی

فروغ کاظمی^۱

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۳، تاریخ تصویب: ۹۴/۱۰/۰۵)

چکیده

در مقاله پیش رو، به بررسی تطبیقی ماهیت آغازگر در دو ژانر علمی و ادبی فارسی از منظر نظریه نقشگرایی نظام‌مند هلیدی پرداخته شده و وجوه اشتراک و افتراق دو ژانر یادشده، در باب مقوله آغازگر در زبان فارسی مشخص و تبیین شده است. در این پژوهش، پس از ملحوظداشتن تفاوت‌های بارز متون مورد بررسی از منظر نوع آغازگر و بسامد رخداد آن، بر ساختار انواع بند و رابطه آن‌ها با آغازگر نیز تأمل شده و ویژگی ساختاری بندها با توجه به دو ژانر علمی و ادبی بررسی و مقایسه شده است. در فرایند تحلیل داده‌ها، موضوع جایگاه آغازگر در درون بند و مواجهه با همپوشی آغازگرها به صورت لایه‌هایی درهم‌تنیده، سبب شده است تا اصطلاح آغازگر لایه‌ای برای نخستین بار معرفی و مطرح شود. این اصطلاح از نظرگاه پژوهش‌های مربوط به حوزه نقشگرایی درخور توجه و شایان تعمق است. گفتنی است، آغازگر لایه‌ای هنگامی امکان طرح می‌یابد که آغازگرهای موجود در بند مرکب، از منظر سطوح تشکیل‌دهنده، دارای همپوشی هم‌زمان باشد.

واژه‌های کلیدی: آغازگر و پایان‌بخش، آغازگر لایه‌ای، زبان‌شناسی نقشگرا، ژانر علمی و ادبی، نظریه نظام‌مند.

1. Email: f.kazemi86@yahoo.com

مقدمه

پژوهش حاضر به بررسی مقوله‌آغازگر^۱ و تحلیل آن در دو ژانر علمی و ادبی فارسی از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۲ می‌پردازد. در این مقاله ضمن بررسی تطبیقی این دو ژانر، مشخص می‌شود هر یک از این دو گفتمان‌گونه علمی و ادبی ماهیت آغازگر را چگونه تبیین می‌کند و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در باب مقوله‌آغازگر در زبان فارسی چیست. مسئله پژوهش حاضر این‌گونه مطرح می‌شود که با استناد به یافته‌های دستور نقش‌گرای نظام‌مند، صورت و نقش چگونه در متون علمی و ادبی به هم پیوند می‌خورد و به‌طور خاص آغازگر و پایان‌بخش در این متون چگونه به کار می‌رود. اهمیت پژوهش حاضر علاوه بر پرداختن به مفهوم آغازگر بر پایه‌یکی از مهم‌ترین رویکردهای نقش‌گرایی، این است که این جستار و بررسی را در دو حوزه علمی و ادبی انجام می‌دهد و آن‌ها را از منظر آغازگر مرکب^۳ محک می‌زند و قیاس می‌کند. چنین مطالعه‌ای به لحاظ مخاطب نیز برای طیف وسیعی از افراد مفید است.

این‌گونه تحلیل‌ها در متون علمی و ادبی از جمله مطالعاتی است که به ارتقای کیفیت متون از بعد آموزشی می‌انجامد و نتایج آن راهکاری در جهت یادگیری و درک بهتر زبان فارسی است، به نحوی که افراد جامعه به‌ویژه دانشجویان هم به هنگام استفاده از این متون (درک آن‌ها) و هم به هنگام نگاشتن متنی در رشته خود راحت‌تر این کار را انجام دهند، چرا که بررسی آغازگر در شیوه‌های گسترش متن مؤثر است. خواندن متن، روانی و قابلیت درک آن با کاربرد مناسب آغازگر و جایگاه آن مرتبط است. آغازگر متن هدف نویسنده یا گوینده را روشن و موضوع مورد بحث را نیز مشخص می‌کند. همچنین، درجه شفافیت متن را روشن می‌سازد. به همین سبب، اگر آغازگر بررسی شود، به مسائلی از این دست کمک می‌کند. جستار حاضر ضمن بررسی آغازگر، به سبب معرفی اصطلاحی جدید در این حوزه، یعنی آغازگر لایه‌ای، از تازگی و نوآوری برخوردار است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با نظریه نظام‌مند هلیدی، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. در زبان فارسی و انگلیسی نیز مطالعات متنوعی صورت گرفته و هر بار بخشی از این نظریه محک

-
1. theme
 2. systemic functional grammar
 3. multiple

زده شده است. پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌هایی که این رویکرد را اساس کار خود قرار داده‌اند کم نیستند و از نظر کمی و کیفی دارای تنوع‌اند. در این قسمت، با توجه به پرسش پژوهش (بررسی و چگونگی مقوله آغازگر در متون علمی و ادبی زبان فارسی) به مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی در این خصوص و در حوزه فرانش متنی نظریه^۱ اشاره می‌کنیم.

پیشینه مطالعات ایرانی

کاوسی‌نژاد (۱۳۸۱) ساخت آغازگری-پایان‌بخشی را (که وی در رساله خود ساخت مبتدا-خبری می‌نامد) در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی در زبان فارسی بررسی کرده است. او به نقش این ساخت در ایجاد انسجام می‌پردازد و به این نکته اشاره کرده است که در زبان فارسی نوشتاری، معنای متن را ترتیب و توالی عناصر بند نشان می‌دهد. شاه‌رخ‌شهرکی (۱۳۸۵) به بررسی شعر کودک از منظر نقش‌گرایی هلیدی می‌پردازد. او هفت شعر کودکانه را مطالعه کرده است که در بین کودکان مهدکودک‌های شهر تهران رایج‌ترند. وی هر سه فرانش بین‌فردی، متنی و تجربی را بررسی کرده است. در بخش فرانش متنی به بررسی نشان‌داری آغازگر پرداخته و نتیجه گرفته است که آغازگر اکثر جملات نشان‌دار است. پهلوان‌نژاد (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود ساختمان بند را در زبان فارسی بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بررسی کرده و بند را از نظر فرانش بین‌فردی، تجربی و متنی تحلیل کرده است. فهیم‌نیا (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود به بررسی آغازگر از منظر رویکرد هلیدی پرداخته و کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی را بررسی کرده است. وی نشان داده است که دانش‌آموزان در نوشته‌های خود آغازگر ساده و بی‌نشان را بیشتر از آغازگر مرکب و نشان‌دار به کار می‌برند. دست‌جردی (۱۳۸۸) به بررسی گفتار کودکان از نظر چگونگی کاربرد آغازگر پرداخته است. او نتیجه گرفته است که میزان بروز آغازگرهای نشان‌دار در گونه گفتاری زبان فارسی در کودکان ۱۸٪ و آغازگر بی‌نشان ۸۲٪ است. همچنین، میزان کاربرد آغازگرهای مرکب / چندگانه در گفتار کودکان ۳۰٪ است.

مهاجر و نبوی (۱۳۷۶) ضمن معرفی و توصیف نظریه نقش‌گرای هلیدی، به تحلیل و بررسی شعر در این چارچوب نظری پرداخته‌اند. آن‌ها اشعاری از نیما یوشیج را انتخاب کرده

و پس از بررسی نتیجه گرفتند که نظام ساخت اطلاع و ساخت مبتدا-خبری (آغازگری-پایان‌بخشی) بر هم منطبق است. این تحلیل و بررسی به سمت تحلیل‌های صورت‌گرایانه گرایش دارد و نمی‌توان آن را تحلیلی صرفاً نقش‌گرایانه به حساب آورد. شهیدی (۱۳۷۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «مبتداسازی در فارسی با نگاهی نقش‌گرا» فرایند مبتداسازی در زبان فارسی را بررسی کرده است. او اشاره می‌کند که هلیدی با رویکردی کلامی مبتداسازی را یکی از سازوکارهای ایجاد مبتدای نشان‌دار گفته است و معتقد است از آنجا که در زبان انگلیسی تکواژ به‌خصوصی برای نشان‌دادن مبتدای جمله وجود ندارد، گویشوران این زبان از جایگاه آغازین جمله برای نشان‌دادن مبتدای پیام خود استفاده می‌کنند و در حالت بی‌نشان این جایگاه از آن نهاد جمله است.

نبوی (۱۳۷۳) در پایان‌نامه خود بافت موقعیت^۱ را از منظر هلیدی معرفی می‌کند که متشکل از سه سازه یا عنصر موضوع^۲، عاملان سخن^۳، و شیوه^۴ است و با اشاره به این سه بخش، تکوین سه لایه‌معنایی در زبان را نشان می‌دهد و می‌افزاید که این گونه‌های معنایی در هر متن به صورت توأمان موجود است. او شعر را از منظر فرانش متنی نیز بررسی کرده و معتقد است که گویشوران زبان فرایندهای خاصی را برمی‌گزینند تا از این راه معنای دلخواه خود را بیان یا منتقل نمایند. محمدی (۱۹۹۵) به این موضوع می‌پردازد که آیا رابطه‌ای بین ساخت آغازگری-پایان‌بخشی و درک زبان گفتار در آموزش زبان وجود دارد؟ کاربرد کدام آغازگر برای زبان‌آموز آسان‌تر است؟ و از بین دو سیستم آموزشی نحوی و نقش‌گرا، کدام یک در آموزش زبان دوم موفق‌تر است؟ او سه عنصر فاعل، فعل و گروه حرف اضافه‌ای در جایگاه آغازگر را بررسی می‌کند و به‌طور کلی نتیجه می‌گیرد که ساخت آغازگری-پایان‌بخشی در درک زبان گفتاری مؤثر است و بین انواع آغازگر و میزان درک مطلب رابطه وجود دارد. اعلانی (۱۳۸۸) به تحلیل کتاب‌های درسی علوم انسانی سازمان سمت پرداخته است. او فرانش متنی را نیز بررسی کرده است تا روشن کند که متون این کتاب‌ها تا چه میزان در انتقال مفاهیم کارآمد است و چگونه می‌توان برای تدوین کتاب‌های درسی روشی مناسب‌تری یافت.

کاظمی (۱۳۹۱) به بررسی انواع آغازگرهای متنی و طبقه‌بندی سه‌گانه آن در فارسی و

-
1. context of situation
 2. field
 3. tenor
 4. mode

انگلیسی از دیدگاه هلیدی پرداخته است. وی نشان داده است که آغازگرهای متنی ربطی و افزوده‌پیوندی در داده‌ها به میزان متفاوت به کار رفته‌اند. در حالیکه موردی از آغازگر متنی تداومی در پیکره‌مورد بررسی، دیده نشده است. علوی (۲۰۰۲) تأثیر مبتداسازی^۱ بر درک جملات دارای گروه‌های فعلی مختلف را مطالعه کرده و به این نتایج دست یافته است که مبتداسازی فهم فعل‌های ساده یک‌مفعولی، فعل‌های حروف اضافه‌ای یک مفعولی و فعل‌های ساده دومفعولی را در حالت خبری تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما فهم فعل‌های ساده را در حالت امری تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. وی تأکید می‌کند که مبتداسازی فرایند مهمی است که در درک و فهم جملات تأثیر دارد. کاظمی (۲۰۱۵) در بررسی نشاننداری آغازگر در فارسی و انگلیسی، وجوه افتراق را ناشی از تفاوت‌های ساختاری این دو زبان از منظر ضمیراندازی و نیز آرایش واژگانی دانسته و عوامل مؤثر بر مقوله‌نشاننداری را برشمرده است. غفاری مهر (۱۳۸۳)، شریف‌زاده (۱۳۸۴)، تبریزمنش (۱۳۸۵) و راعی دهقی (۱۳۸۰) نیز به این موضوع پرداخته‌اند.

پیشینه مطالعات غیر ایرانی

فرایز (۱۹۸۱) بر اهمیت آغازگر متن در پیشرفت و گسترش سراسر متن تأکید می‌کند. حسن (۱۹۸۹)، ضمن تحلیل شعر، معتقد است که تحلیل متن از دیدگاه نقشگرایی به ارتقای کیفیت آموزش کمک می‌کند، زیرا از طریق آن مدرسان می‌توانند اطلاعات بیشتری در مورد زبان مورد نظر داشته باشند و بهتر آموزش دهند. زبان‌آموزان نیز می‌توانند درک بهتری از مقوله زبان داشته باشند و در مورد محتوای مطالب درسی اطلاعات بیشتری به دست آورند. با تحلیل شعر از منظر فرانقش متنی به این نتیجه می‌رسد که روابط بین بندها بیشتر از نوع همپایگی است، اما شاعر جاهایی که ضرورت داشته از ساخت ناهمپایه استفاده کرده است.

بلورو بلور (۱۹۹۵) به بررسی و مقایسه نظام آغازگری-پایان‌بخشی و نظام ساخت اطلاع در چارچوب هلیدی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند که باید به تبعیت از هلیدی بین این دو ساخت تمایز قائل شد و آن را دو سیستم موازی در دستور نظام‌مند و در عین حال متمایز از هم دانست. آن‌ها در بررسی ساخت آغازگری-پایان‌بخشی اولین سازه هر بند را به شرطی که

شرکت‌کننده (مشارک)، فرایند یا عنصر حاشیه‌ای باشد، آغازگر در نظر می‌گیرند که به یکی از صورت‌های فاعل، مفعول، متمم یا افزوده در بند ظاهر می‌شود.

قادسی (۱۹۹۵) معتقد است که انتخاب آغازگر بند، نقشی اساسی در سازمان‌دهی کلام ایفا می‌کند و انتخاب آغازگر است که روش گسترش متن را به وجود می‌آورد و شیوه‌نگارش متن به وسیله آن رقم زده می‌شود. او متون ورزشی و آغازگرهای ساده، مرکب، متنی، بینافردی و توالی آن‌ها را بررسی کرده است. قادسی (۱۹۹۹) آغازگر در گونه‌های مختلف متن و نشر از جمله بیوگرافی، سرمقاله، اسناد رسمی و داستان را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که درصد کاربرد آغازگر مرکب در همه‌گونه‌ها بیش از آغازگر ساده است. لاک (۱۹۹۶) نشان‌داری آغازگر را از منظر دستور نظام‌مند هلیدی بررسی کرده و در این مطالعه به مقایسه‌زبان‌های ایتالیایی و ژاپنی با زبان انگلیسی می‌پردازد. او با بررسی زبان ایتالیایی به این نتیجه دست می‌یابد که معیار ترتیب آرایش سازه‌ای در تشخیص آغازگرهای نشان‌دار و بی‌نشان با توجه به بسامد وقوع سازه‌ها چندان دقیق نیست.

گومز (۱۹۹۴) به بررسی نقش آغازگر در گزارش‌های خبری پرداخته است. او آغازگر را در بندهای خبری موجود در اخبار رادیو بی‌بی‌سی بررسی کرده و الگوی رایج ترتیب آغازگرها را در این بندها نشان داده است. فرایز (۱۹۹۵) بر این باور است که الگوهای انتخاب آغازگر در متن رابطه‌تنگاتنگی با سبک نوشتار دارد. چنین الگوهایی تصادفی نیست، بلکه تابع سبک متن است. او می‌گوید اگر محتوای تجربی آغازگرهای متن عوض شود، در نحوه‌نگارش متن تغییر ایجاد می‌شود. پس بین سبک متن از یک‌سو و الگوهای مختلف آغازگر و محتوای تجربی آن از سوی دیگر رابطه‌معناداری وجود دارد. حسن و فرایز (۱۹۹۵) معتقدند که تشخیص مرز آغازگر در عمل، ساده نیست. آن‌ها جایگاه آغازگر در زبان انگلیسی را نسبت به جایگاه فاعل چندان ثابت نمی‌دانند و اشاره می‌کنند که معیار عنصر آغازین برای شناسایی آغازگر دو ایراد اساسی دارد. اول اینکه طبق چارچوب هلیدی ممکن است زیرطبقه‌های مختلفی از آغازگر در یک بند کنار هم دیده شود؛ یعنی، همان شرایطی که بند دارای آغازگر مرکب است؛ برای مثال، دارای آغازگر متنی، بینافردی و تجربی با هم باشد. همچنین، هر کدام از این نقش‌ها هم ممکن است خود دارای عناصر متفاوتی باشد؛ برای مثال، عناصر پیوندی یا ساختاری متعلق به فرانش متنی و مانند آن. عامل دیگری که ممکن است باعث ابهام در تشخیص آغازگر شود، سطوح زبانی متفاوت است؛ یعنی زمانی که آغازگر در سطح بند مرکب، بند ساده یا گروه قرار گرفته است. به باور آن‌ها تعیین انواع آغازگر و نشان‌دار یا بی‌نشان بودن

آن در سطح بند مرکب موضوعی است که هنوز حل نشده باقی مانده است و در کل اگرچه طرح آغازگر و پایان‌بخش از قدمت زیادی برخوردار است، اما هنوز پرسش‌های زیادی در این زمینه بی‌پاسخ مانده است.

وانگ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «آغازگر و پایان‌بخش در ساختار موضوعی متن» به بررسی ارتباط بین آغازگر و پایان‌بخش و پیشرفت انسجام در متون دانشگاهی پرداخته است. او تأکید می‌کند که با تجزیه و تحلیل آغازگر و پایان‌بخش در متن دانشجویان می‌آموزند که این‌گونه تحلیل‌ها را در نوشتار خود انجام دهند و در عمل انسجام را در نوشته‌های خود بهبود بخشند. از نظر وانگ برقراری تعادل بین آغازگر و پایان‌بخش مؤلفه‌های ضروری در پیشبرد انسجام متن است و اگر نویسنده نتواند جریان اطلاعات را بین آغازگر و پایان‌بخش کنترل کند، درک متن برای خواننده بسیار دشوار می‌شود. مارتینز (۲۰۰۷) در بررسی ساختارهای شبه‌اسنادی و معکوس نشان می‌دهد که در آن‌ها سازه‌های جمله به ترتیب SVO قرار گرفته است که در آن یک بند موصولی اسمی در جایگاه متمم فعل قرار می‌گیرد و به لحاظ آغازگری-پایان‌بخشی در این ساختار آغازگر بر فاعل منطبق است و جمله بی‌نشان تلقی می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

گردآوری و معرفی داده‌ها

داده‌های این پژوهش از متون دو حوزه علمی و ادبی گردآوری شده است. نگارنده بر این باور است که نگارش متون علمی و ادبی یکسان نیست و تفاوت‌هایی دارد. لذا، بر آن شد تا برای آزمودن این گمانه‌زنی و دستیابی به افتراق احتمالی آن‌ها از منظر فرانش متنی، داده‌هایی از این متون انتخاب کند. از آنجا که متون علمی دارای حوزه‌ای وسیع و گستره‌ای کلان و بسته به هر رشته دانشگاهی دارای تنوع است، سه حوزه علمی تخصصی بیوشیمی، فیزیک و آناتومی نمونه‌ای از ژانر علمی در نظر گرفته شد. در این بخش کتاب بیوشیمی عمومی، کتاب *ذرات بنیادی و کتاب آناتومی استخوان و مفاصل با اصطلاحات آناتومی* انتخاب شد. برای انتخاب کتاب‌های مورد بررسی این ملاک در نظر گرفته شد که تألیف باشند (و نه ترجمه). همچنین، در بخش ادبی متن کتاب *سمک عیار* انتخاب شد که به لحاظ محتوا اثری درخشان و به لحاظ حجم هم مناسب بود. گفتنی است در انتخاب داده‌ها / متون مورد بررسی

به عامل زمانی و تاریخی توجه نشده و حتی‌المقدور سعی شده است که از بین ژانرهای انتخاب شده بهترین نمونه‌ها گزینش شود. حوزه و محدوده انجام پژوهش چارچوب نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی بوده و صرفاً فرانش متن‌بررسی شده است. داده‌های پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و از بین دو گونه گفتاری و نوشتاری، در این مقاله به گونه نوشتاری توجه شده است.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به روش تحلیلی^۱ انجام شده است. واحد اصلی تجزیه و تحلیل دستور در رویکرد دستور نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) بند^۲ است. در این چارچوب در بیان تمایز بین جمله^۳ و بند گفته می‌شود که جمله واحد نظام نویسه‌ای است. اما بند واحد نظام دستوری است. جمله بر اساس نشانه‌های سجاوندی تعریف می‌شود و در زبان انگلیسی با حروف بزرگ شروع و به نقطه ختم می‌شود. اما در دستور برای جلوگیری از تداخل با نظام نویسه‌ای از لفظ بند استفاده می‌شود. در دستور نقش‌گرایی نظام‌مند از میان مرتبه‌های مختلف، این بند است که واحد اصلی تحلیل در نظر گرفته شده است و در این سطح است که انواع مختلف معانی با ساخت‌های دستوری مربوط می‌شود (همان: ۶).

در انتخاب بندها از روش تصادفی ساده استفاده شده است. اگر در انتخاب نمونه‌ها برای هر یک از اعضا احتمال مساوی در نظر گرفته شود، آن را روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌نامند. برای به‌دست‌آوردن یک نمونه تصادفی ساده، کافی است که تمامی اعضا به صورت احتمالات مساوی در نظر گرفته شود (منصورفر، ۱۳۷۶: ۲۹۱). روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، علمی و معتبر و تعمیم‌پذیری یافته‌ها در آن زیاد است (سکاران، ۱۳۸۵: ۳۱۱). در هر دو بخش این پژوهش (علمی و ادبی) بندها به تعداد مساوی بررسی شده است، به گونه‌ای که امکان مقایسه ویژگی‌های متنی در آن‌ها ممکن شود. در تحقیقات توصیفی، همبستگی و زمینه‌یابی معمولاً حجم نمونه بیشتر است، در حالی که در تحقیقات تحلیلی و آزمایشی حجم نمونه محدودتر است (شالی صفری، ۱۳۹۲: ۸۶). بر این اساس و با توجه به نوع داده‌ها، در پیکره پژوهش به ۵۴۰ بند (۲۷۰ بند از متون علمی و ۲۷۰ بند از متون ادبی) بسنده شد. نوع

1. analytic
2. clause
3. sentence

بندهای مورد مطالعه صرفاً بندهای خبری است. بنابراین، ابتدا بندها تفکیک و در هر بند آغازگر و پایان‌بخش شناسایی و جدا شد. آن‌گاه طبقه‌بندی بر اساس انواع آغازگر و نوع بند صورت گرفت. پس از آن توزیع فراوانی هر یک به دست آمد و در نهایت دو ژانر مذکور بررسی مقابله‌ای شد.

زبان‌شناسی نقشگرا

زبان‌شناسی نقشگرا امروزه در کنار دو رویکرد صورتگرا و شناختی، یکی از نگرش‌های غالب و مسلط در زبان‌شناسی نظری است. دبیرمقدم (۱۳۷۹: ۴۳) به نقل از گیون (۱۹۷۹: ۱-۳) اظهار می‌دارد این تفکر غالب از زمانی پا گرفت که برخی زبان‌شناسان و از جمله گیون که خود تعلیم‌یافته‌ی دستور زایشی بود، ضمن تأکید بر اینکه دستور زایشی استمرار ساختگرایی کلان و خرد است، ادعا کردند که به دلیل وجود هر دوی آن‌ها زبان‌شناسی در بحران بی‌سرانجام فلسفی و روش‌شناختی خود محصور شده و تنها راه گریز از این حصار، ترک کامل این وضعیت و روی آوردن به رویکردی متفاوت است. تأکید این رویکرد (نقشگرایی) بر اصل بودن نقش ارتباطی است. نقشگرایان که زبان‌شناسانی تعالی‌گرایند معتقدند که نحو نسبت به نقش ارتباطی زبان فرع است و در حقیقت مقوله‌ای ثانوی است. از این‌رو، مطالعه‌ی واقعی زبان باید از مطالعه‌ی نقش ارتباطی آن آغاز شود.

در نقشگرایی داده‌های زبانی معمولاً در بافت موقعیتی/غیرزبانی و بافت زبانی خود بررسی و توصیف می‌شود، نه به منزله‌ی داده‌های مستقل و بافت‌زدوده و یافته‌های آن‌ها با اتکا به مطالعات آماری پدیده‌موردنظر یا به تعبیری با استناد به شم جامعه‌زبانی (گروهی از اهل زبان) و نیز گاه با مطالعه‌ی رده‌شناختی آن پدیده، یعنی در سطح وسیعی از زبان‌های هم‌خانواده و غیرهم‌خانواده حاصل و تبیین می‌شود. نگرش نقشگرا گونه‌های متفاوتی دارد که وجه اشتراک جملگی آن‌ها تعالی‌گرایی، به‌ویژه باورد داشتن به این نکته است که اصلی‌ترین وظیفه‌ی زبان ایجاد ارتباط است. از این‌رو، همه حضور نقش ارتباطی، کاربردشناختی و کلامی - گفتمانی را بخش‌های لاینفک دانش زبانی می‌دانند و در نتیجه بر طرد تفکر استقلال و خودمختاری زبان تأکید می‌ورزند (دبیرمقدم، ۱۳۷۹: ۴۱).

از معروف‌ترین این گونه‌ها نقشگرایی مورد نظر گیون (۱۹۷۹؛ ۱۹۸۴؛ ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۵)، دیک (۱۹۷۸؛ ۱۹۸۰)، فولیو فون والین (۱۹۸۴)، کونو (۱۹۸۷)، هاپر (۱۹۸۷؛ ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۱) و

هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) را می‌توان نام برد. در ادامه به معرفی نظریه نقش‌گرای نظام‌مند می‌پردازیم که مبنای انجام پژوهش حاضر است.

نظریه نقش‌گرای نظام‌مند

این چارچوب نظری را گاه زبان‌شناسی نظام‌مند، زبان‌شناسی نظام‌بنیاد یا دستور نظام‌بنیاد می‌خوانند. واضع اصلی آن مایکل هلیدی است. رویکرد نظام‌مند یکی از قوی‌ترین رویکردهای نقش‌گرایی است و نسبت به رویکردهای نقش‌گرای گیون، چیف، کونو و جز آن بسیار قوام‌گرفته‌تر است. این دستور به وجود نظام صوری زبان قائل است و آن را تابع و وابسته به نقش ارتباطی و کاربرد زبان می‌پندارد و به ارائه و تبیین‌های نقشی نظام صوری زبان تأکید دارد. چارچوب مذکور، در برخورد با صورت‌های مختلف زبانی، به ابزارها و سازوکارهای نظری، قالب‌های توصیفی معنابنیاد و نقش‌محور مجهز است. این انگاره در جزئیات با دیگر گونه‌های نقش‌گرای یکسان نیست. این نوع نقش‌گرایی گلچینی از مفاهیم مأخوذ از سنت نقش‌گرایی اروپایی است، شامل مکتب لندن و مشخصاً نظریه نظام‌ساخت فرث^۱، دستاوردهای یلمزف^۲ در مکتب پراگ و به‌ویژه آرایمتسیوس (که به نمای نقشی جمله، بار خبری و اطلاعی ساخت جمله‌ها شامل مفاهیم مبتدا و خبر و جز آن می‌پردازد؛ دبیرمقدم، ۱۳۷۹: ۴۳).

دستور نظام‌مند چارچوبی است نظری که معتقد است مطلوب‌ترین روش پژوهش در زبان‌شناسی تعامل بین نظریه و داده است. این دستور را می‌توان نمونه‌اعلایی از نگرش‌های نقش‌گرا به زبان دانست. رویکرد یادشده مبتنی بر تجربه‌گرایی^۳ است و معتقد است که زبان بشری محصول مراحل تکاملی است. در این رویکرد وظیفه اصلی زبان ایجاد ارتباط است و زبان در بیان تجربیات، ایجاد ارتباط و انجام تعاملات به کار می‌رود. در این نظریه اعتقاد بر این است که با وجودی که ساختار ضروری است اما دستور دارای شبکه «نظام‌مند» است، نه صرفاً مجموعه‌ای از «ساختارها». در دستور نظام‌مند بحث انتخاب مطرح است. چون گوینده برای بیان معنای مورد نظر خود در هر موقعیت انتخاب خاصی را انجام می‌دهد. بنابراین، در این نظریه زبان منبعی است برای ساختن معنا از طریق

-
1. Firth
 2. Hjelmslev
 3. empiricism

انتخاب. به عبارت دیگر، اهل زبان در هر لحظه از میان گزینه‌های موجود یکی را انتخاب می‌کند و جریان کلام را پیش می‌برد. بر اساس این چارچوب، دستور باید با آنچه خارج از زبان رخ می‌دهد، یعنی با حوادث و شرایط جهان و جریان‌های اجتماعی که درگیر آن‌هایم، در ارتباط باشد. این موضوع به‌طور مستقیم به بحث انواع فرانش می‌مربوط می‌شود که از مهم‌ترین واژه‌های کلیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند است. عناصر درون هر فرانش، نقش خاصی ایفا می‌کند تا به کمک نقش سایر عناصر معنای بند را به منزلهٔ کل از منظر فرانش مربوط به خود به دست دهد. فرانش متنی^۱ یکی از فرانش‌های مطرح در این رویکرد است. در این نوع معنا زنجیره‌ها و توالی‌های موجود در گفتمان شکل می‌گیرد و همچنان که کلام پیش می‌رود، این فرانش با ایجاد انسجام و پیوستگی جریان سخن را سازمان‌دهی می‌کند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۳۰).

فرانش متنی یکی از لایه‌های معنایی است که ویژگی خود به عنوان پیام را به بند می‌دهد. این لایه معنایی را ساخت موضوعی به دوش می‌کشد. در همهٔ زبان‌ها بند ویژگی پیام را دارد. ساختی که بند به عنوان پیام دارد، ساخت آغازگری - پایان‌بخشی است؛ یعنی، بخشی از آن بند به عنوان آغازگر با بخش دیگر به عنوان پایان‌بخش ترکیب می‌شود، به نحوی که این دو بخش با یکدیگر پیام را می‌سازد. آغازگر نقطهٔ عزیمت پیام است و باقی‌ماندهٔ پیام، یعنی بخشی که آغازگر در آن بسط و گسترش می‌یابد، پایان‌بخش^۲ نام دارد (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۴).

آغازگر

آغازگر اولین سازه‌بند است که در ساخت تجربی آن نقش دارد. اگر آغازگر تجربی باشد، آغازگر اصلی محسوب می‌شود. این در صورتی است که مشارک^۳، یا افزودهٔ حاشیه‌ای^۴ یا فرایند^۵ باشد. یکی از طبقه‌بندی‌های آغازگر برحسب ظاهر و ساختمان بند است که در آن آغازگر یا ساده است یا مرکب. آغازگر ساده نیز خود به چند صورت دیده می‌شود. اگر آغازگر فقط از یک عنصر ساختاری یا یک واحد تشکیل شده

-
1. Textualmetafunction
 2. rheme
 3. participant
 4. circumstantial adjunct
 5. process

باشد، به آن آغازگر ساده می‌گویند؛ یعنی، در حالتی که آغازگر شامل یک سازه یا یک گروه (مثل گروه اسمی، گروه قیدی یا گروه حرف‌اضافه‌ای) باشد. همچنین، آغازگری که از دو یا بیش از دو گروه یا عبارت تشکیل شده باشد به نحوی که باهم یک سازه را بسازند، آغازگر ساده نامیده می‌شود. این حالت که گونه‌ای متداول است، ترکیبی از دو یا چند گروه است که معمولاً با حروف ربط و اضافه همراه است و گروه یا عبارت مرکب را به وجود می‌آورد و یا به صورت بدل دیده می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۸).

گاه در جایگاه آغازگر عناصری در کنار یکدیگر دیده می‌شود که دارای لایه‌های معنایی تجربی^۱، بینافردی^۲ یا متنی است. در این حالت آغازگر را آغازگر مرکب می‌خوانند. این نوع آغازگر بیش از یک سازه دستوری دارد و قابلیت تجزیه به سازه‌های کوچک‌تر یا عناصر زبانی دیگر را دارد. به عبارت دیگر، اگر اولین سازه آغازکننده بند به تنهایی مشارک، افزوده حاشیه‌ای یا فعل اصلی باشد، آغازگر ساده است. اما اگر پیش از آن عناصری از فرانش‌های بینافردی و متنی، یعنی غیرتجربی بیاید، آغازگر مرکب محسوب می‌شود. آغازگر بند همیشه با اولین سازه آغازگر تجربی به پایان می‌رسد؛ یعنی، هر بند فقط باید یک آغازگر تجربی داشته باشد و وقتی که آن آغازگر تجربی یا مبتدایی^۳ مشخص شد، بقیه سازه‌های بند که پس از آن قرار دارد پایان‌بخش محسوب می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۹). در جدول ۱ آغازگرهای ساده و مرکب آمده است.

جدول ۱. آغازگر ساده و مرکب

On the ground or in the air	small creatures live and breathe.	پایان‌بخش
آغازگر ساده		
And though he	had personally been very hurt and saddened by his son's decision.	پایان‌بخش
آغازگر مرکب		

1. experiential
2. interpersonal
3. topical theme

آغازگر در بندهای مرکب

آغازگر، علاوه بر بندهای ساده، در بندهای مرکب نیز تحلیل و بررسی می‌شود. در ادامه به انواع بندهای مرکب و آغازگر آن‌ها می‌پردازیم.

الف) آغازگر در بند مرکب همپایه

بندهای مرکب بندهایی است که اساساً به هم وابسته نیست و رابطه همپایه دارد. این بندها معمولاً با *and, or, so* و جزآن به هم وصل می‌شود. در این حالت هنگام تحلیل برای هر بند ساخت آغازگری-پایان‌بخشی جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. در جدول ۲، در بند مرکب همپایه، آغازگر بدین صورت تعیین می‌شود.

جدول ۲. آغازگر در بند مرکب همپایه

You	get a liter of milk	and it	stands this tall
آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش

این بدان علت است که هر یک از این بندها جمله‌ای کامل است و در آن حروف ربط ممکن است بیاید یا نیاید:

You get a liter of milk(And)it stands this tall.

ب) آغازگر در بند مرکب ناهمپایه

نوع دوم بندهای مرکب آنگونه است که یک بند وابسته به بند دیگر است؛ یعنی، یکی پیرو و دیگری پایه است. بدین سبب رابطه ناهمپایه دارد. در این حالت دو سطح تحلیل وجود دارد. در سطح اول، هر یک از بندهای پایه و پیرو به طور جداگانه از نظر ساخت آغازگری-پایان‌بخشی تحلیل می‌شود و در سطح دوم کل بند مرکب در نظر گرفته می‌شود. در این نوع بندهای مرکب، آنچه اهمیت دارد، ترتیب قرارگرفتن بندهای پایه و پیرو است.

۱. اگر ابتدا بند پایه و سپس بند پیرو بیاید، آغازگر بند پایه آغازگر کل بند مرکب محسوب می‌شود.

جدول ۳. آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پایه-پیرو)

Can spring	be far behind	if winter	comes
آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش
آغازگر	پایان‌بخش		

۲. اگر ابتدا بند پیرو و پس از آن بند پایه بیاید، از آنجا که بند پیرو یکی از سازه‌های تشکیل‌دهنده بند پایه به حساب می‌آید، کل بند پیرو آغازگر بند مرکب شمرده می‌شود.

جدول ۴. آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پیرو-پایه)

If winter	comes	can spring	be far behind
آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش
آغازگر			پایان‌بخش

تحلیل داده‌ها: گزیده‌هایی از متون علمی و ادبی فارسی

در ادامه شواهدی از تحلیل و بررسی داده‌ها ابتدا در متون علمی و سپس در متون ادبی ذکر می‌شود. جدول‌ها و نمودارهای مربوط به تحلیل متون، به منظور مشاهده و مقایسه آمده است.

آغازگر ساده در بندهای ساده متون علمی و ادبی فارسی

در این قسمت نمونه‌هایی از آغازگر ساده را در دو حالت زیر در پیکره می‌بینیم:
۱. آغازگر ساده در یک گروه (اسمی، قیدی و یا حرف‌اضافه‌ای)

جدول ۵. آغازگر ساده در بندهای ساده متون علمی

با ایجاد دگرگونی‌هایی در ساختمان سوم و چهارم پروتئین‌ها، آن‌ها را برای گوارش و جذب آماده‌تر می‌سازد.	حرارت
نیاز حرارتی بدن را تأمین می‌کند.	حرارتی که در دوره‌های متابولیسمی غذاها در بدن ایجاد می‌شود
در حدود ۰/۸ می‌باشد.	نسبت تنفسی پروتئین‌ها که به کمک روش‌های غیرمستقیم محاسبه شده است
در بازگشت از اکسفورد به دانشگاه پرینسون در سال ۱۹۲۹ نخستین نمونه مولد خود را ساخت.	واندوگراف
از این نوع است.	ستون عایق و اندوگراف افقی ۳ میلیون الکترون ولتی مرکز تحقیقات انرژی اتمی ایران

زاویه‌اکرومیل	ناحیه‌ای است که کناره‌خارجی اکرومیون را به کناره‌تحتانی ستیغ اسکاپولا متصل می‌کند.
آغازگر ساده	پایان‌بخش

جدول ۶. آغازگر ساده در بندهای ساده متون ادبی

سمک عیار	پیش خورشیدشاه بر پای بود.
تو	مرا بر خویشتن گیر.
من	او را نتوانستم آوردن.
سیاه گیل	پیش ایشان بازآمد.
لشکر	پیرامون غلامان درآمدند.
خورشیدشاه	به تخت بر آمده.
تو	مرا برادری.
آغازگر ساده	پایان‌بخش

۲. آغازگر ساده در گروه مرکب

جدول ۷. آغازگر ساده با گروه مرکب در بندهای ساده متون علمی

این انرژی جنبشی یا فعالیت مولکول‌های حلال	در اثر حرارت یا فشار افزایش می‌یابد.
پیدایش، گسترش، استمرار و تداوم حیات و پدیده‌های آن در موجودات زنده	مبتنی بر مواد، عوامل و پدیده‌های گوناگون موجود در محیط‌زیست آن‌هاست.
با بازگرمایش در توربین و بالانگه‌داشتن دمای گاز در آن	می‌توان راندمان کار توربین را افزایش داد.
جریان حاصل از تسمه‌ای به عرض w (متر) و سرعت v (ثانیه/متر) و چگالی ρ (مترمربع/کولن)	برابر است با آمپر $i=6Wv$
ترقوه یا کلویکل	استخوانی دراز و خمیده است که بخش قدامی کمربند شانه را می‌سازد.
کمی پایین‌تر از گردن آناتومیک و در قسمت دیستال تکه‌های کوچک و بزرگ	قسمتی به نام گردن جراحی (surgical neck) قرار دارد.
آغازگر ساده	پایان‌بخش

جدول ۸. آغازگر ساده با گروه مرکب در بندهای ساده متون ادبی

سمک و آتشک	نگاه می‌داشتند.
آغازگر ساده	پایان‌بخش

جدول ۹. مقایسه توزیع فراوانی آغازگرهای ساده و مرکب در متون علمی و ادبی

ردیف	نوع متن	آغازگر ساده	آغازگر مرکب	درصد کل
۱	متون علمی	٪۶۵,۳۳	٪۳۴,۶۶	٪۱۰۰
۲	متون ادبی	٪۳۲	٪۶۸	٪۱۰۰

با توجه به نمونه‌های ذکر شده در جدول ۵ تا ۸، پس از تحلیل بندهای کل پیکره مشخص شد که آغازگر ساده در جدول ۱ و ۲ در متون علمی ٪۶۵,۳۳ اما در متون ادبی فقط ٪۳۲ است. این آمار نشان می‌دهد که ساختار بندهای متون علمی نسبت به متون ادبی، ساده‌تر است. پس از تحلیل کل بندها، اطلاعات و آمار مربوط به بررسی آغازگرهای ساده و مرکب فراهم آمد (جدول ۹).

آغازگر مرکب در بندهای مرکب متون علمی و ادبی فارسی به تفکیک نوع آغازگر (متنی + تجربی)

بر اساس تحلیل‌ها مشخص شد که وجود آغازگر متنی یا بینافردی همیشه آغازگر مرکب و در پی آن بند مرکب را به وجود می‌آورد. گاه تعداد آغازگرهای متنی نشان‌دهنده تعداد بندهای مرکب است. اما لزوماً همیشه این‌گونه نیست، چون این حالت وجود دارد که در یک بند بیش از یک آغازگر متنی وجود داشته باشد. بندهای تحلیل‌شده متون علمی موجود در پیکره این وضعیت در جدول ۱۰ آمده است. همچنین، ممکن است بند آغازگر متنی نداشته باشد، ولی دارای آغازگر بینافردی باشد و همچنان مرکب تلقی شود. در ادامه نمونه‌هایی از داده‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

جدول ۱۰. آغازگر مرکب در بندهای مرکب متون علمی

از سوی دیگر که	گزارش در تمام طول آلودگی	شده است تجمعی از پروکسید هیدروژن (H ₂ O ₂) در بافت‌ها دیده می‌شود.
از این رو	هیستیدین آرژینین و هیستیدین	در مراحل رشد کودکان اسید آمینه ضروری است. اسیدهای آمینه تقریباً ضروری نامیده شده‌اند.
به طوری که و	میزان آب بافت‌های مختلف آب موجود در بافت عضلانی آب موجود در بافت چربی	یکسان نیست. از همه بیشتر کمترین آن‌هاست.
	این رخدادهای ارزنده علمی	فیزیكدانان را برانگیخت

تا	Ø	برای کاوش در قلمرو پهناور هسته به ذرات باردار مصنوعاً شتاب بدهند.
و با وجود این و بنابراین	او Ø این تولیدکننده ولتاژ Ø	برای به دست آوردن ولتاژ بیشتر چندین ماشین از این نوع ساخت آن‌ها را به صورت سری به هم متصل نمود. ولتاژی به یکنواختی ولتاژ تهیه شده از ژنراتورهای تسمه‌ای تولید نمی‌کرد. کنار گذاشته شد.
درحالی‌که	مدار اولیه مدار ثانویه	ظرفیت بالا و خودالقایی کم دارد. دارای ظرفیت کم و خودالقایی زیاد است.
و به همین دلیل	این زاویه Ø	از روی پوست قابل لمس است به عنوان یک نشانه آناتومیکی یا landmark مطرح می‌شود.
ولی	شکستگی این ناحیه شکستگی گردن آناتومیک	شایع است به صورت مایل قرار گرفته است و زاویه ملایمی با تنه می‌سازد.
متنی آغازگر مرکب	تجربی	پایان بخش

جدول ۱۱. آغازگر مرکب در بندهای مرکمتون ادبی

پس	Ø	گفت
اگر	Ø Ø	مراد من برآوری سمک را دست‌بسته پیش تو آورم.
و	Ø Ø	در آن گو رفت به کمین نشست.
که	Ø Ø	یکی را دید روی به لشکرگاه ایشان نهاده بود.
متنی آغازگر مرکب	تجربی	پایان بخش

تحلیل داده‌ها طبق آمار جدول ۹ نشان می‌دهد که کاربرد آغازگرهای مرکب به ترتیب در متون علمی ۳۴,۶۶٪ و در متون ادبی ۶۸٪ است. اگر به نمونه‌های تحلیل‌شده نظری بیفکنیم، متوجه می‌شویم که ساختار آغازگر متنی + آغازگر تجربی که منجر به تولید آغازگر مرکب شده است، در دو ژانر مورد بررسی یکسان نیست، نه به لحاظ نوع آغازگر و نه از نظر بسامد وقوع. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در متون علمی آغازگرهای ساده بیش از آغازگرهای مرکب کاربرد دارد و از میان آغازگرهای مرکب بسامد وقوع آغازگر متنی به گونه‌ای است که گاه از مجموع آغازگرهای مرکب افزون شده‌است، چرا که توالی آغازگرهای متنی در بندهای مرکب بررسی شده در ژانر علمی رایج است. اما در ژانر ادبی این وضعیت دیده نمی‌شود.

باید افزود که تنوع آغازگرهای متنی در ژانر علمی نیز بیشتر است. در جدول ۱۰ آغازگرهای متنی همچون «از این رو»، «در حالی که»، «با وجود این»، «از سوی دیگر»، «بنابراین» به کار رفته است. اما در ژانر ادبی بیشتر از اتصال‌دهنده‌هایی همچون «و» استفاده شده و از «که»، «چون» و «تا» به میزان کمتری استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، یکی از ویژگی‌های متون ادبی کاربرد آغازگر تجربی محذوف است. میزان این کاربرد در متون علمی کمتر است. آغازگر محذوف را در حالتی انتظار داریم که آغازگر در نقش فاعل دستوری به دلیل ویژگی ضمیراندازی زبان فارسی حذف می‌شود. این حذف با نماد تهی Ø در مقاله نمایش داده شده است.

آغازگر مرکب در متون علمی و ادبی فارسی به تفکیک نوع آغازگر(متنی/ بینافردی + تجربی)

جدول ۱۲. آغازگر مرکب در بندهای مرکب متون علمی

هیچ‌گاه	تعادل حقیقی و ایزوتوپیک	بین مایعات داخل و خارج سلولی برقرار نمی‌گردد.
همیشه	مولکول‌های حلال	به طرفی روانه می‌گردد که غلظت بیشتر است.
معمولاً	غلظت الکترولیت‌ها	در خون خیلی کم است.
احتمالاً	پتانسیل به دست آمده	به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر بوده است.
باید	این نکته را	در طراحی مد نظر داشت.
متنی	تجربی	پایان‌بخش
آغازگر مرکب		

جدول ۱۳. آغازگر مرکب در بندهای مرکب از کتاب سمک عیار

در شب‌روی و عیاری دستی داری.	تو	ای آتشک	
سوگند خور.	∅	ای سمک	
با من عهد کن.	∅	ای آتشک	
پایان‌بخش	تجربی	بینافردی	متنی
	آغازگر مرکب		

از جدول ۱۳ مشخص است که در متون ادبی برخلاف متون علمی نمونه‌ای یافت نشد که بند هم دارای آغازگر متنی باشد و هم آغازگر بینافردی. اما حضور بینافردی دیده می‌شود. البته، باز هم برخلاف متون علمی، در متون ادبی آغازگر بینافردی از نوع وجهی و نشان‌دهنده میزان قطعیت نیست، بلکه از نوع مناداست. با اینکه هر دو ژانر علمی و ادبی آغازگر بینافردی به کار رفته به لحاظ نوع اصلاً شباهتی باهم ندارد. در ژانر علمی عمدتاً از آغازگرهای بینافردی وجهی همانند «همیشه»، «هرگز» و «احتمالاً» استفاده شده که قطعیت یا عدم قطعیت را نشان می‌دهد، اما در ژانر ادبی صرفاً آغازگر بینافردی ندایی به کار رفته است نه وجهی. در جدول ۱۳ نمونه‌های «ای آتشک» و «ای سمک» این وضعیت را تأیید می‌کند.

آغازگر در بندهای مرکب متون علمی و ادبی فارسی به تفکیک نوع بند مرکب

طبق مبانی نظری پژوهش، علاوه بر بندهای ساده می‌توان آغازگر را در بندهای مرکب همپایه و ناهمپایه بررسی کرد. با بررسی و تأمل در داده‌ها مشاهده شد که به این دو نوع بند نمی‌توان اکتفا کرد، چرا که خود بندهای مرکب ناهمپایه به دو شکل و ترتیب پایه-پیرو و نیز پیرو-پایه قابل بررسی است. بنابراین، تاکنون سه حالت ممکن می‌شود که مبانی نظری هر سه حالت را در مثال بررسی کردیم. اما بندهای مرکب دیگری هم در پیکره دیده شد که به طور هم‌زمان شامل همپایه و ناهمپایه بود و نگارنده در این پژوهش آن‌ها را بندهای همپایه-ناهمپایه نامید. در ادامه مثالی از این حالت از داده‌ها را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۱۴. بند همپایه-ناهمپایه

اگر جسم محلول	یونیزه ناشدنی باشد	فشار اسمزی	متناسب است با تعداد مولکول‌های جسم محلول در واحد حجم	و در صورتی که جسم قابل یونیزه شدن باشد	هر یون	مستقلاً ایجاد فشار اسمزی می‌کند
آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش	پایان‌بخش
آغازگر	پایان‌بخش	پایان‌بخش	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش	پایان‌بخش

در این بند مرکب، هر یک از این دو بند که ناهمپایه‌اند، خود قابل تجزیه به دو بند درونی‌ترند. بدین صورت که در بند اول، «اگر جسم محلول یونیزه‌ناشدنی باشد» بند پیرو و «فشار اسمزی متناسب است با تعداد مولکول‌های جسم محلول در واحد حجم» بند پایه‌آن است و ساختی ناهمپایه داریم. در بند دوم، «و در صورتی که جسم قابل یونیزه شدن باشد» بند پیرو و «مستقلاً ایجاد فشار اسمزی می‌کند» بند پایه‌آن است و ساخت ناهمپایه‌دوم را داریم. این دو بند ناهمپایه از طریق عنصر همپایگی واو عطف به یکدیگر همپایه شده است. لذا، آن را می‌توان همپایه-ناهمپایه تلقی کرد. بر این اساس، در ادامه نمونه‌هایی از پیکره برای هر یک از انواع بندهای مرکب چهارگانه ذکر می‌شود.

الف) آغازگر در بند مرکب همپایه در متون علمی و ادبی فارسی

در این قسمت ابتدا بندهای همپایه را بررسی می‌کنیم و شواهدی از تحلیل داده‌ها آمده است.

جدول ۱۵. آغازگر در بند همپایه در متون علمی

مناسب‌ترین درجات برای بیشتر موجودات زنده	بین ۳۰ تا ۴۰ درجه سانتی‌گراد است	ولی	زندگی موجودات گوناگون	میان دو حد نامشخص درجه حرارت امکان‌پذیر است.
نیاز بدن به پروتئین	تنها جنبه کمی ندارد	بلکه	کیفیت پروتئین‌ها	نیز حائز اهمیت است.
هر گرم ماده قندی	مولد ۴ کالری حرارت است	و	حداقل احتیاج به قند	برابر ۵ گرم برای هر ۱۰۰ کالری انرژی مورد نیاز روزانه می‌باشد.

فرکانس رزونانس این دستگاه	حدود kc/sec ۱۰۰ است	و	ولتاژ گزارش شده	۳ Mv در فشار روغن یک اتمسفر بود.
یون‌های مثبت اپتیکی	تا آن روز شناخته نشده بودند	و	باریکه های به دست آمده	از نظر خواص کانونی بی ارزش بود.
بخش کوچک فوقانی	حفرة فوق خاری یا اسپیناتوس نامیده می شود	و	بخش بزرگی که در پایین خار قرار دارد	حفرة زیر خاری یا اینفراسپیناتوس نام دارد.
در موقع تولد	قسمت اعظم اسکاپولا تبدیل به استخوان شده است	و	فقط حفرة گلنوئید کناره داخلی و زاویه تحتانی	هنوز غضروفی اند.
آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش

جدول ۱۶. آغازگر در بند همپایه در متون ادبی

این بگفت	و	∅	روی به راه نهاد.
خرم شد	و	∅	در دست و پای سمک افتاد.
غلامان را بیاورد	و	∅	پیرامون مهد بداشت.
خود را بر سر آن مرد افکند	و	∅	او را بگرفت.
پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش
آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی
			آغازگر مرکب

آمار نشان می دهد، با استناد به نمونه های جدول ۱۵ و ۱۶ و محاسبه بسامد وقوع آنها، در ژانر علمی ۳۰٪ بند همپایه مشاهده می شود. اما در ژانر ادبی این میزان ۴۲٪ است. این یافته ها حاکی از آن است که میزان پیچیدگی ساختار بند در ژانر ادبی بیش از علمی است.

ب) آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پایه-پیرو) در متون علمی و ادبی فارسی

جدول ۱۷. آغازگر در بند ناهمپایه (پایه-پیرو) در متون علمی

برخی از اسیدهای آمینه	به عنوان ضروری شناخته شده‌اند.	زیرا	سلول‌های بدن انسان	قادر به سنتز آنها نمی‌باشند.
درجه‌بندی از روی فاصله کره‌ها	نمی‌تواند نتیجه مطمئنی بدهد.	زیرا	ولتاژ	در این شرایط تابعی از فشار جو، درجه رطوبت و کیفیت سطح الکترودها نیز هست.
قرقره‌های دو سر تسمه	استوانه‌های فلزی صاف هستند که یک لبه‌جزئی دارند	تا	استقرار تسمه روی آنها	مطمئن و استوار باشد.
این حفره	توسط غضروف مفصلی پوشیده می‌شود	تا	سر استخوان بازو	در آن قرارگیرد.
آغازگر	پایان‌بخش	متنی	تجربی	پایان‌بخش
			آغازگر مرکب	
آغازگر	پایان‌بخش			

جدول ۱۸. آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پایه-پیرو) در متون ادبی

قطران	بر خود گرفت	که	Ø	این کار بکند.
تو	دانی	که	من	این کار ندانم.
از آنجا	مرا به خانه‌خویش بر	تا	از آنجا	کار سازیم.
Ø	بگوی	که	من	او را توانستم آوردن.
آغازگر	پایان‌بخش	متنی	تجربی	پایان‌بخش
			آغازگر مرکب	
آغازگر	پایان‌بخش			

بررسی داده‌های تحلیل شده در جدول ۱۷ و ۱۸ به لحاظ آماری نشان می‌دهد که میزان کاربرد بندهای ناهمپایه از نوع پایه- پیرو در متون علمی ۱۲٪ و در متون ادبی ۱۱/۵٪ است. این بخش تنها موردی است که هر دو متن تا حدودی مانند هم عمل کرده‌اند.

ج) آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پیرو-پایه) در متون علمی و ادبی فارسی

جدول ۱۹. آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پیرو-پایه) در متون علمی

چون	هنوز روش دقیقی	برای تعیین مقدار مستقیم آب داخل سلولی در اختیار نیست،	برای محاسبه آن	از اختلاف آب تام بدن و آب خارج سلولی استفاده می‌شود.
در صورتی که	غلظت بر حسب میلی‌اکی‌والان	تعیین شود،	ظرفیست و وزن مولکولی و یا قدرت ترکیبی یونها	در نظر گرفته شده است.
اگر	تسمه	برای کار در هوا طراحی شده است،	∅	باید در برابر آتش مقاوم باشد.
اگر	میدان الکتریکی ناشی از بار تسمه	یکنواخت و بر سطح تسمه عمود باشد،	ماکزیمم چگالی بار	از رابطه قانون گوس به آسانی به دست می‌آید.
از آنجا که	مطالعه آناتومی هر قسمت از بدن	با توصیف استخوان‌شناسی آن قسمت آغاز می‌شود،	لازم است	در آغاز این کتاب راجع به کلیات آناتومی توضیحاتی ارائه شود.
متنی	تجربی	پایان بخش	آغازگر	پایان بخش
آغازگر مرکب				
آغازگر		پایان بخش		

جدول ۲۰. آغازگر در بند مرکب ناهمپایه (پیرو- پایه) در متون ادبی

اگر	∅	جان می‌خواهی	∅	سهل است.
متنی	تجربی	پایان بخش	آغازگر	پایان بخش
آغازگر مرکب				
آغازگر		پایان بخش		

(د) آغازگر در بند مرکب همپایه-ناهمپایه در متون علمی و ادبی فارسی

جدول ۲۱. آغازگر در بند مرکب همپایه-ناهمپایه در متون علمی

نقش عمده پروتئین‌ها	نوسازی سلولی و تأمین رشد است.	ولی اگر	انرژی حاصل از محل قندها و چربی‌ها	نیاز بدن را تأمین نکند،	پروتئین‌ها	نیاز طی واکنش‌های کاتابولیسمی تولید انرژی خواهند کرد.
در بدن انسان	کربوهیدرات‌ها و چربی‌ها به طور کامل اکسید شده و انیدرید کربونیک و آب تبدیل می‌گردند.	لیکن	پروتئین‌ها	به طور کامل اکسید نمی‌گردند.	زیرا که	آخرین محصولی که در جریان متابولیسم آن‌ها در بدن تولید می‌گردد
امروزه	دو روش جهت خنک‌کنندگی ژنراتور مورد استفاده است یکی هوا و دیگری استفاده از هیدروژن.	ولی از آنجا که	خنک کردن توسط هوا	مشکلات زیادی را در پی داشت،	امروزه	بیشتر از هیدروژن جهت خنک‌کنندگی استفاده می‌شود.
آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش	متنی	پایان بخش
		آغازگر مرکب	تجربی		آغازگر مرکب	
		آغازگر		پایان بخش		

جدول ۲۲. آغازگر در بند مرکب همپایه-ناهمپایه در متون ادبی

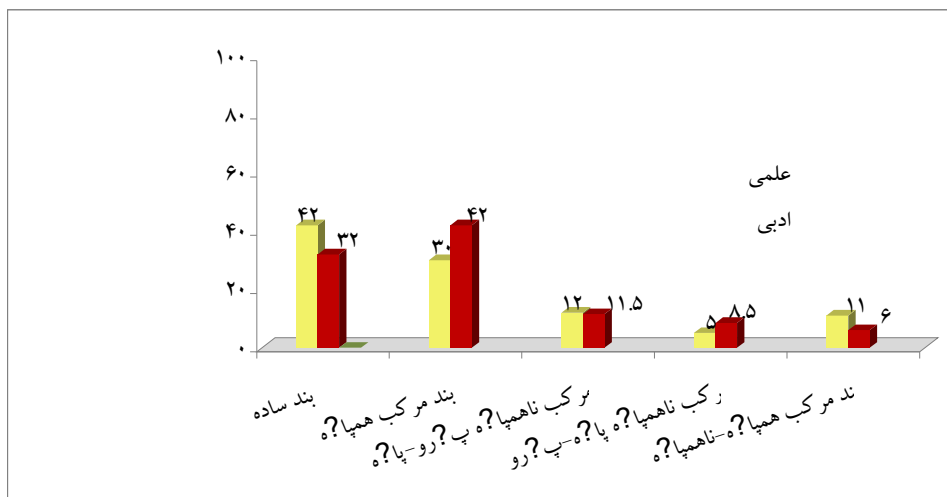
فردا	در میدان داری بز نیم	و	∅	او را بر دار کنیم	تا	دیگران	عبرت گیرند.
قطران	به شراب خوردن مشغول گشت	و	∅	شراب بسیار بر خود پیمود	تا	∅	مست شد.
آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش
		آغازگر مرکب	آغازگر مرکب		پایان بخش	پایان بخش	
		آغازگر		پایان بخش			

در این پژوهش، گاه فراوانی بندهای ساده کمتر از آغازگرهای ساده است، چرا که بخشی از این بندهای ساده که آغازگر آنها ساده است، در ساخت بندهای مرکب همپایه، ناهمپایه و همپایه-ناهمپایه حضور دارد و در نهایت مرکب تلقی شده است. برای مثال، یک جزء بندهای همپایه یا ناهمپایه معمولاً بندی ساده است. پس از تحلیل بندها، اطلاعات مربوط به بررسی بندهای ساده و مرکب فراهم آمد (جدول ۲۳ و نمودار ۱).

جدول ۲۳. مقایسه توزیع فراوانی بندهای ساده و انواع بندهای مرکب در متون علمی و ادبی

ردیف	نوع متن	بند ساده	بند مرکب همپایه	بند مرکب ناهمپایه (پایه-پیرو)	بند مرکب ناهمپایه (پیرو-پایه)	بند مرکب همپایه - ناهمپایه	درصد کل
۱	متون علمی	٪۴۲	٪۳۰	٪۱۲	٪۵	٪۱۱	٪۱۰۰
۲	متون ادبی	٪۳۲	٪۴۲	٪۱۱٫۵	٪۸٫۵	٪۶	٪۱۰۰

نمودار ۱. توزیع فراوانی بندهای ساده و مرکب در متون علمی و ادبی فارسی



هنگام بررسی ماهیت آغازگر در متون علمی و ادبی متوجه این نکته می‌شویم که در بندهای مرکب این متون، آغازگرها بر هم همپوشی دارد و این همپوشی را در بندهای ساده نمی‌توان یافت. اکنون پس از بررسی کاربرد دوگانه‌های آغازگر ساده/مرکب و بندهای ساده/مرکب، به همین بحث یعنی همپوشی آغازگرها و سطوح درهم‌تنیده آن‌ها می‌پردازیم. این موضوع ارتباطی مستقیم با نوع بند مرکبی دارد که آغازگر در آن موجود است. در بعضی بندها ساخت آغازگری-پایان‌بخشی در یک سطح دیده می‌شود و تحلیل یک‌لایه‌ای است. بندهای ساده از این دسته است و تحلیلی یک‌لایه‌ای دارد و ساخت آغازگری-پایان‌بخشی را در یک سطح نشان می‌دهد. نگارنده آغازگر آن‌ها را آغازگر یک‌لایه‌ای نامیده است. نمونه‌هایی که در جدول ۵ تا ۸ آمده است، همگی بند ساده و آغازگرهایشان یک‌لایه‌ای است؛ برای مثال، «ستون عایق و اندوگراف افقی ۳ میلیون الکترون ولتی مرکز تحقیقات انرژی اتمی ایران#» از این نوع است. در این بند مرز بین آغازگر و پایان‌بخش با علامت # مشخص شده است. آغازگر موجود در این بند یک‌لایه‌ای است، زیرا از آنجا که هیچ‌گونه آغازگر متنی یا بینافردی قبل از آغازگر اصلی/تجربی قرارنگرفته و این آغازگر اصلی/تجربی از نوع ساده است، بند مورد نظر هم ساده تلقی می‌شود. در این حالت بند فقط یک آغازگر دارد و هیچ‌گونه همپوشی از آغازگر دیده نمی‌شود و آغازگر طبیعتاً در یک سطح یا یک لایه تبیین‌پذیر است. بندهای هم‌پایه

نیز همان طور که اشاره شد، عموماً با اتصال‌دهنده‌هایی چون and, or, so در زبان انگلیسی و «اما»، «و» و «یا» در زبان فارسی به هم وصل می‌شود و رابطه‌همپایه دارد. این بندها نیز تحلیلی یک‌لایه‌ای دارد و نمونه‌های موجود در جدول‌های ۱۵ و ۱۶ این موضوع را نشان می‌دهد. برای مثال، بند همپایه‌زیر از طریق اتصال‌دهنده «ولی» همپایه شده است: «مناسب‌ترین درجات برای بیشتر موجودات زنده # بین ۳۰ تا ۴۰ درجه سانتی‌گراد است. ولی زندگی موجودات گوناگون # میان دو حد نامشخص درجه حرارت امکان‌پذیر است.» در اینجا «ولی» آغازگر متنی است که در کنار آغازگر اصلی/تجربی قرار گرفته و این بند همپایه، بندی مرکب محسوب می‌شود. اما چون همپوشی آغازگر دیده نمی‌شود و در یک سطح آغازگر داریم، باز هم آن را یک‌لایه‌ای می‌خوانیم.

در بعضی بندها ساخت آغازگری-پایان بخشی در دو سطح تحلیل می‌شود و تحلیلی دولایه‌ای به وجود می‌آید. بر این اساس آغازگر آن‌ها را آغازگر دولایه‌ای نامیده‌ایم. این بندها عمدتاً ناهمپایه یا همپایه-ناهمپایه است. نمونه‌های موجود در جدول ۱۷ و ۱۸ ناهمپایه است. همچنین، نمونه‌های زیر همپایه-ناهمپایه و بیانگر این وضعیت است. مثال زیر اولین نمونه جدول ۲۴ است: «برای موجودات زنده در محیط‌زیست شرایط ویژه‌ای باید فراهم باشد تا زندگی امکان‌پذیر گردد و این شرایط عبارت‌اند از برخی از شرایط شیمیایی و فیزیکی.» در این نمونه، «برای موجودات زنده در محیط‌زیست شرایط ویژه‌ای باید فراهم باشد تا زندگی امکان‌پذیر گردد» از طریق کاربرد «و» به «این شرایط عبارت‌اند از برخی از شرایط شیمیایی و فیزیکی» همپایه شده است. بخش اول ناهمپایه است. در بندهای ناهمپایه، پایه-پیرو نیز آغازگر بند پایه، آغازگر کل بند محسوب می‌شود. بنابراین، «برای موجودات زنده در محیط‌زیست» هم آغازگر بند پایه است و هم به طور هم‌زمان آغازگر کل بند ناهمپایه. از این رو، در دو لایه یا دو سطح، همپوشی آغازگر دیده می‌شود و می‌توان آغازگر آن را دولایه‌ای نامید. حال در این مثال، این بند ناهمپایه با بند دیگری همپایه شده و ساخت همپایه-ناهمپایه را ایجاد کرده است. این نمونه و دیگر نمونه‌های ذیل از متون علمی و ادبی، وجود آغازگر را در دو سطح و دو لایه نشان می‌دهد.

جدول ۲۴. آغازگر دولایه‌ای در بند مرکب همپایه-ناهمپایه

عبارت‌اند از برخی از شرایط شیمیایی و فیزیکی.	این شرایط	و	امکان‌پذیر شود	زندگی	تا	شرایط ویژه‌ای باید فراهم باشد	برای موجودات زنده در محیط‌زیست
نمودار رشد جنین، نوزاد، کودکان و نوجوانان است.	این خود	و	علاوه بر تأمین انرژی مورد نیاز و حفظ تعادل فیزیولوژی به مصرف سنتز بیومولکول های درشت می‌رسند	بیومولکول‌های دریافتی از محیط‌زیست	زیرا	واکنش‌های متابولسمی با شدت بیشتری انجام می‌شوند	در دوران رشد

برخی از اسیدهای آمین شده‌اند.	به عنوان ضروری شناخته شده‌اند.	زیرا	سلول‌های بدن انسان	قادر به بیوسنتز آن‌ها نمی‌باشند	و	Ø	باید به میزان کافی در جیره غذایی وجود داشته باشند.
--	---	------	-----------------------	------------------------------------	---	---	--

آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش
		آغازگر مرکب			آغازگر مرکب		
آغازگر	پایان بخش						

جدول ۲۵. آغازگر دولایه‌ای در بند مرکب همپایه-ناهمپایه

با	تیوسیانات‌ها	به مقدار	و	مانیتول	نیز به‌طور	برای تعیین	بیشتر از این‌ولین
----	--------------	----------	---	---------	------------	------------	-------------------

توجه به اینکه	کم قادر به دخول در گویچه‌های سرخ هستند		ناقص قابل متابولیسم است،			حجم آب فضای خارج سلولی	استفاده می‌شود.
از آنجایی که	حرارت سنجی مستقیم	به‌علاوه	در مورد انسان تقریباً غیر عملی است،	Ø	لذا	Ø	انرژی متابولیسمی بدن را به طور غیرمستقیم یعنی از طریق اندازه‌گیری گازها (اکسیژن و انیدرید کربنیک) و تعیین میزان دفع ادراری اوره مورد بررسی قرار می‌دهند.
متنی	تجربی		متنی	تجربی		تجربی	
آغازگر مرکب	پایان بخش	آغازگر مرکب	پایان بخش	آغازگر مرکب	پایان بخش	پایان بخش	پایان بخش
آغازگر	پایان بخش						

جدول ۲۶. آغازگر دولایه‌ای در بند مرکب همپایه-ناهمپایه

هرچه	فاصله محل ساخت نیروگاه با شبکه انتقال سوخت	کمتر باشد،	هزینه انتقال سوخت به نیروگاه	کاهش می‌یابد.
متنی	تجربی	پایان بخش	آغازگر	پایان بخش
آغازگر مرکب	پایان بخش			
آغازگر	پایان بخش			

و این نمونه از متون ادبی نیز وجود آغازگر را در دو سطح و دو لایه نشان می‌دهد.

جدول ۲۷. آغازگر دولایه‌ای در بند مرکب همپایه-ناهمپایه

آتشک	می‌گفت با خرمی و نشاط	که	Ø	سمک است.
آغازگر	پایان‌بخش	متنی	تجربی	پایان‌بخش
آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر مرکب		

اما در بندهای دیگر ساخت آغازگری- پایان‌بخشی در سه سطح تحلیل می‌شود. در نتیجه تحلیلی سه‌لایه‌ای به وجود می‌آید و آغازگر آن‌ها را آغازگر سه‌لایه‌ای نامیده‌ایم. این بندها هم بیشتر ناهمپایه‌اند. در اینجا نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌بینیم. ابتدا نمونه‌هایی از متون علمی را مشاهده می‌کنیم (مثال جدول ۲۸).

«تجربه نشان می‌دهد که اگر هر کدام از اسیدهای آمینه ضروری از جیره غذایی حذف شود، تعادل ازتی مختل خواهد شد.» در این بند مرکب، تحلیل نخست بدین صورت است که «تجربه» آغازگر و بقیه بند تا انتها پایان‌بخش است. بدین صورت که «تجربه نشان می‌دهد که اگر هر کدام از اسیدهای آمینه ضروری از جیره غذایی حذف شود، تعادل ازتی مختل خواهد شد.» تا اینجا یک لایه آغازگر داریم. سپس، در قسمت «که اگر هر کدام از اسیدهای آمینه ضروری از جیره غذایی حذف شود، تعادل ازتی مختل خواهد شد.» بند ناهمپایه پیرو-پایه داریم و از آنجا که مطابق سازوکارهای نظریه نظام‌مند، بند پیرو یکی از سازه‌های تشکیل‌دهنده بند پایه به حساب می‌آید، کل بند پیرو آغازگر بند مرکب شمرده می‌شود. از این رو، «که اگر هر کدام از اسیدهای آمینه ضروری از جیره غذایی حذف شود، آغازگر لایه دوم محسوب می‌شود.» همچنین، در هریک از بندهای پیرو و پایه درونی نیز، یک آغازگر دیده می‌شود که به ترتیب عبارت است از «که اگر هر کدام از اسیدهای آمینه ضروری و نیز تعادل ازتی». این آغازگرها هم در لایه سوم قرار می‌گیرد. براین اساس، در سه لایه مجزا، همپوشی آغازگرها به طور هم‌زمان نمایان است (جدول ۲۸ تا ۳۱).

جدول ۲۸. آغازگر سه‌لایه‌ای در بند مرکب ناهمپایه پایه-پیرو

تجربه	نشان می‌دهد	که اگر	هر کدام از اسیدهای آمینه ضروری	از جیره غذایی حذف شوند،	تعادل ازتی	مختل خواهد شد.
منحنی	نشان	که	دمای ورودی به	در فشار یک	در	می‌توان ۱۰۰

عملکرد توربین های گازی	می دهد	اگر	کمپرسور	اتم-سفر ۱۵۰ درجه سانی گراد باشد،	شرایط ایده آل	درصد قدرت نامی توربین را از آن به دست آورد.
آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش	آغازگر	پایان بخش
		آغازگر مرکب				
		آغازگر		پایان بخش		
آغازگر	پایان بخش					

جدول ۲۹. آغازگر سه لایه‌ای در بند مرکب ناهمپایه پیرو-پایه

چون	رانندمان کمپرسورهای محوری	نسبت مستقیم با دور آن دارد،	هرچه دور کمپرسور	دور بیشتر باشد،	مجموعه توربین گاز	بیشتر است.
متنی	تجربی	پایان بخش	متنی	تجربی	آغازگر	پایان بخش
			آغازگر مرکب			
آغازگر مرکب		آغازگر		پایان بخش		
آغازگر		پایان بخش				

در جدول ۳۰ و ۳۱ نمونه‌هایی از متون ادبی را از نظر می‌گذرانیم.

جدول ۳۰. آغازگر سه لایه‌ای در بند مرکب ناهمپایه پایه-پیرو

غلامان	مرا نگاهداری کنند	تا اگر	لشکر	شبیخون آرند،	من	در میانه نباشم.
∅	انگشتی به من داد	تا چون	∅	تو را پیش وی برم،	∅	از عهده کار من بیرون آید.
پهلوان	به من گفت	چون	∅	مست شوم،	∅	مرا بر کنار لشکرگاه برید.
آغازگر	پایان بخش	متنی	تجربی	پایان بخش	آغازگر	پایان بخش
		آغازگر مرکب				
		آغازگر		پایان بخش		
آغازگر	پایان بخش					

جدول ۳۱. آغازگر سه لایه‌ای در بند مرکب ناهمپایه پایه-پیرو

بر آن ستیزه	که مرا قفا زدند،	Ø	تو را بیاوردم	تا	Ø	داد ایشان از تو بخواهم.
آغازگر	پایان‌بخش	آغازگر	پایان‌بخش	متنی	تجربی	پایان‌بخش
				آغازگر مرکب		
		آغازگر	پایان‌بخش			
آغازگر		پایان‌بخش				

همان‌طور که از نمونه‌های ذکر شده در جدول ۲۸ تا ۳۱ نیز آشکار است، آغازگر به صورت لایه‌هایی منطبق بر هم است. در مثال‌های فوق، در تحلیل بند ناهمپایه پایه-پیرو، آغازگری سه‌لایه‌ای را ملاحظه کردیم. از این منظر نیز بسامد وقوع لایه‌های آغازگر فراهم آمد (جدول ۳۲).

جدول ۳۲. مقایسه توزیع فراوانی آغازگر لایه‌ای در متون علمی و ادبی

ردیف	نوع متن	آغازگر یک‌لایه‌ای	آغازگر دو‌لایه‌ای	آغازگر سه‌لایه‌ای	درصد کل
۱	متون علمی	٪۷۳	٪۲۳	٪۴	٪۱۰۰
۲	متون ادبی	٪۷۴٫۵	٪۲۰٫۵	٪۵	٪۱۰۰

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ماهیت آغازگر در دو ژانر علمی و ادبی فارسی از منظر نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلبیدی مطالعه و بررسی شد. در این بررسی تطبیقی به وجوه اشتراک و افتراق دو ژانر علمی و ادبی در باب مقوله آغازگر در فارسی پرداختیم و داده‌های آن را از سه منظر بررسی کردیم. نخست آنکه آغازگر ساده و مرکب در این دو نوع متن بررسی شد و یافته‌ها نشان داد که میزان کاربرد آغازگر مرکب در متون ادبی بیش از علمی است. همچنین، مشخص شد که اتصال‌دهنده‌ها یا آغازگرهای متنی در هر دو ژانر به میزان تقریباً مشابهی کاربرد دارد، چرا که به دلیل کارکرد متنی آن‌ها، نبودشان به معنی نبود متنیت و به تبع آن ناممکن شدن قابلیت درک متن یا خوانش متن است. اما باید افزود که تنوع و گونه‌های آغازگرهای متنی در ژانر علمی بیش از ادبی است. یافته‌ها حاکی از آن است که در متون ادبی آغازگر بینافردی از نوع وجهی و معرفمیزان قطعیت نیست، بلکه از نوع مناداست و با اینکه در هر دو ژانر علمی و ادبی آغازگر بینافردی به کار رفته است، به لحاظ نوع کاربرد اصلاً شباهتی باهم ندارند. در ژانر علمی

رایج است که از آغازگرهای بینافردی وجهی همانند «همیشه»، «هرگز»، و «احتمالاً» استفاده شود که قطعیت یا عدم قطعیت را نشان می‌دهد. اما در ژانر ادبی صرفاً از آغازگر بینافردی ندایی استفاده شده است. از دیگر تفاوت‌های دو ژانر علمی و ادبی در این پژوهش این است که در متون ادبی آغازگر محذوف بیشتر کاربرد دارد و رایج‌تر است. زبان فارسی به سبب وجود شناسه فعلی، زبانی ضمیرانداز است. همین ویژگی سبب شده است تا کاربرد آغازگر محذوف را در هر دو ژانر اما در متون ادبی به میزان بیشتری شاهد باشیم. می‌توان افزود که وجود تفاوت در میزان کاربرد آغازگر به دلیل تفاوت در ژانر است، چرا که این دو گفتمان‌گونه علمی و ادبی هر یک حوزه کاربردی خاص و اهدافی خاص دارد. بدیهی است متون تخصصی که قرار است برای اهداف آموزشی خاصی نگاشته شود، در چارچوب زبانی ویژه‌ای قرار می‌گیرد که سازگار و مرتبط کردن آن‌ها با قواعد مربوط، امر خوانش و فرایند درک را آسان‌تر می‌سازد. از دیگر علل تفاوت در میزان کاربرد آغازگر می‌توان به تفاوت‌های سبکی نویسندگان اشاره کرد. از این رو، تفاوت‌ها، نمایانگر سبک نگارش نویسندگان ژانرهای مورد نظر یعنی علمی و ادبی است. بنابراین، مشخص می‌شود که فرانتش متنی نظریه‌نظام‌مند به‌طور عملی در تشخیص و تمیز سبک‌های نوشتاری، نوع، ژانر و سیاق نوشته کارآمد است و شیوه بیان را آشکار می‌سازد و الگوی انتخاب آغازگر متأثر از عواملی چون نوع متن، سبک متن و قلم نویسنده است.

داده‌های این مقاله، از نظر بند و ساختار آن نیز مطالعه شده است. نتایج این بخش ابتدا نشان داد که طبقه‌ای پنج‌گانه از بندها را مشتمل بر بندهای ساده، مرکب همپایه، ناهمپایه (پایه-پیرو)، ناهمپایه (پیرو-پایه) و همپایه-ناهمپایه می‌توان توصیف کرد. آنگاه از تحلیل این طبقه‌های متفاوت و بررسی‌های آماری آن‌ها می‌توان بیان کرد که در ژانر علمی بند مرکب همپایه کاربرد کمتر اما در ژانر ادبی کاربرد بیشتری دارد. شواهد نشان می‌دهد که در میزان کاربرد بندهای مرکب ناهمپایه از نوع پایه-پیرو هر دو متن تا حدودی مانند هم عمل کرده‌اند. اما کاربرد بندهای ناهمپایه (پیرو-پایه) در متون ادبی بیشتر است. وجود بندهای مرکب بیشتر در متون ادیبمین این نکته است که ژانر ادبی ساختار متنی پیچیده‌تری دارد. اما متون علمی از بندهای ساده‌تر تشکیل شده و روان‌تر و ساده‌تر است.

در این پژوهش، همچنین ساختار آغازگر و جایگاه آن در درون بندهای مرکب بررسی شد و به همپوشی آغازگرها و سطوح درهم‌تنیده آن‌ها پرداختیم. این موضوع ارتباطی مستقیم با

نوع‌بندی دارد که آغازگر در آن موجود است. با استناد به شواهدی از تحلیل داده‌ها مشخص شد که در بعضی بندها ساخت آغازگری-پایان‌بخشی در یک سطح دیده می‌شود و تحلیل یک‌لایه‌ای است. بندهای ساده و همپایه از این دسته است؛ تحلیلی یک‌لایه‌ای دارد و ساخت آغازگری-پایان‌بخشی را در یک سطح نشان می‌دهد. به همین سبب، نگارنده آن‌ها را آغازگر یک‌لایه‌ای نامیده است. در بعضی دیگر از بندها ساخت آغازگری-پایان‌بخشی در دو سطح تحلیل می‌شود و تحلیلی دو‌لایه‌ای به وجود می‌آید. بر این اساس آغازگر آن‌ها/آغازگر دو‌لایه‌ای نامیده شده است. این بندها عمدتاً ناهمپایه یا همپایه-ناهمپایه است. همچنین، این امکان وجود دارد که در بندهای دیگری ساخت آغازگری-پایان‌بخشی در سه سطح تحلیل شود. در نتیجه، تحلیلی سه‌لایه‌ای به وجود می‌آید و آغازگر آن‌ها/آغازگر سه‌لایه‌ای نامیده می‌شود. این بندها هم بیشتر ناهمپایه است. بدین‌سان می‌توان لایه‌هایی از آغازگر را در این بندها مشاهده کرد و مقوله‌ای به نام آغازگر لایه‌ای را شناساند. آغازگر لایه‌ای هنگامی امکان طرحی یابد که در بندهای پنج‌گانه یادشده از منظر سطوح همپوشی هم‌زمان قرار گیرد. شایان توجه است که تعداد لایه‌های آغازگر منوط به نوع بندی است که در آن قرار گرفته است. بررسی داده‌ها در این بخش نیز مشخص کرد که میزان کاربرد آغازگر دو‌لایه‌ای و سه‌لایه‌ای در متون علمی کمتر از متون ادبی است. این یافته‌ها شواهدی بر این مدعاست که متون ادبی دارای ساختاری پیچیده‌تر است و ماهیت اصلی متون ادبی که رسالت زیباآفرینی را به دوش می‌کشد، آن‌گونه است که با پیچیدگی و تکلف زبانی عجین شده است. درحالی‌که هدف متون علمی صرفاً بیان محتوا و انتقال مطالب علمی است و این هدف جز در سایه‌سادگی و روانی متن حاصل نمی‌شود. از این روست که ساختار آغازگرها و بندهای آن‌ها به شکلی ساده‌تر به کار رفته است.

اصطلاح آغازگر لایه‌ای را برای اولین بار نگارنده معرفی و مطرح کرد. این مفهوم از نظر پژوهش‌های مربوط به حوزه نقشگرایی اهمیت دارد. از همین روی، به پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود که آن را علاوه بر متون علمی و ادبی در ژانرها و سیاق‌های دیگر زبان فارسی جستجو کنند، محک بزنند و بیازمایند تا امکان اظهار نظر قطعی‌تر در باب ویژگی‌های متون فارسی از منظر نقشگرایی فراهم شود.

References

- Alavi, T. (2002). *On the Effect of Thematization on the Comprehension of Sentences with Different Verb Categories at Intermediate Level*, M. A. thesis, Allameh Tabatabaee University.
- Bloor, T. and Bloor, M. (1995). *The functional analysis of English: A Hallidayan Approach*, London: Arnold.
- Dik, S. (1980). *Studies in Functional Grammar*, New York: Academic Press.
- Dik, S. (1978). *Functional Grammar*, Amsterdam: North-Holland.
- Foly, W. and Van Valin, R. (1984) *Functional Syntax and Universal Grammar*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Fries, P.H.(1995) Themes, Methods of Development, and Texts, in R. Hassan and P. H. Fries, on *Subject and Theme: A Discourse Functional Perspective*. Amsterdam John Benjamin, 317-59.
- Fries, P.H. (1981). *On the status of theme in English: arguments from discourse*, Forum texts. Hamburg: Helmut Buske Verlage.
- Ghadessy, M. (1999). *Text and context in functional linguistics*, Amsterdam: John Benjamins.
- Ghadessy, M. (1995). *Thematic development in English Text*, London: printer.
- Givon, T. (1995) *Functionalism and Grammar*, Amsterdam: John Benjamins.
- Givon, T. (1990) *Syntax: A Functional-Typological Introduction*, Vol. II, Amsterdam: John Benjamins.
- Givon, T. (1984) *Syntax: A Functional-Typological Introduction*, Vol. I, Amsterdam: John Benjamins.
- Givon, T. (1979) *On Understanding Grammar*, New York: Academic Press.
- Gomez, M.(1994) The relevance of theme in the textual organization of BBC News Reports, *WORLD*,45(3):293-305.
- Halliday,M.A.K. and Matthiessen, C.I.M. (2004) *An Introduction to Functional Grammar*, (3 ed ed), London: Arnold publication.
- Hassan, R. (1989) *Linguistics, Language and Verbal Art*, Landon: Oxford University Press.
- Hassan, R. and Fries, P.H.(1995) Reflections on subject and theme in Hasan, R. and Fries, P.H. (ed): on *subject and theme: from the perspective of functions in discourse*,Amsterdam and Philadelphia: John Benjamin.
- Hopper, P.(1991) Functional Explanation in linguistics and the Origins of Language, *Language and Communication*, 11: 45-47.

- Hopper, P. (1988) Emergent Grammar and the *A priori* Grammar Postulate, In D. Tannen (Ed.), *Linguistics in Context*, Ablex, Norwood, New Jersey.
- Hopper, P. (1987) Emergent Grammar, *BLS*, 13: 139-157.
- Kazemi, F. (2015) Theme Markedness in Persian And English Medical Texts: A Systemic-Functional Approach, *Theory and Practice in Language Studies*, 5(11), 2416-2425.
- Kuno, S. (1987) *Functional Syntax: Anaphora, Discourse and Empathy*, Chicago: Chicago University Press.
- Lock, G. (1996) *Functional English Grammar: An Introduction to Second Language Teachers*, (ed.) Jack C. Richards. Cambridge: Cambridge University Press.
- Martinez, L M. (2007) *A systemic functional approximation to the use of cleft sentences and reversed pseudo-cleft sentences in English in a narrative sample written by the South African writer Alan Paton*, Working Papers. Departamento de Filología Inglesa. Alicante: Editorial Club Universitario.
- Mohammadi, A. (1995). *The Role of Thematic Structure in Comprehending Spoken Language*, M.A. Thesis, Allameh Tabatabaei University.
- Wang, L. (2007) Theme and Rheme in the Thematic Organization of Text: Implication for Teaching Academic Writing, *Asian EFL Journal*. 9 (9):88-101.
- اعلایی، م. (۱۳۸۸). بررسی کتاب‌های علوم انسانی (سازمان سمت) در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلییدی از منظر فرانتش متنی و بینافردی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- پهلوان‌نژاد، م. ر. (۱۳۸۳). توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی بر پایه نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی، رساله دکتری دانشگاه فردوسی.
- تبریزمنش، م. (۱۳۸۵). بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فرانتش تجربی بر اساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۷۹). زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت.

دستجردی کاظمی، مهدی (۱۳۸۸). توصیف گفتار دانش‌آموزان پایه‌اول دبستان بر اساس نظریه نقشگرایی نظام‌مند هلیدی، رساله دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

راعی دهقی، ا. (۱۳۸۰). انواع ابزارهای انسجام درون‌متنی در درون کتاب‌های فارسی پایه اول، دوم، سوم ابتدایی و بسامد آن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

سکاران، ا. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه صائبی و شیرازی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پرورش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. شالی صفری، ر. (۱۳۹۲). راهنمای تدوین طرح تحقیق، چاپ پنجم، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

شاهرخانی شهرکی، م. (۱۳۸۵). بررسی شعر کودک از منظر زبان‌شناسی نقشگرایی هلیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

شهیدی، ن. (۱۳۷۸). مبتداسازی در فارسی با نگاهی نقشگرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

شریف‌زاده، م. (۱۳۸۴). بررسی کتاب‌های آموزشی *New interchange 3* و زبان انگلیسی دو تا پیش دانشگاهی بر اساس دستور نقشگرایی هلیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

غفاری مهر، م. (۱۳۸۳). بررسی دو مجموعه از کتاب‌های آموزش زبان فارسی از دیدگاه نظریه نقشگرایی هلیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

فهم‌نیا، ف. (۱۳۸۷). توصیف و تحلیل نقشگرایانه آغازگر از منظر رویکرد هلیدی در کتاب‌های فارسی و انشاهای دانش‌آموزان دبستان، رساله دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قهرمانی، ن. (۱۳۸۴). شتاب‌دهنده‌ها، ذرات بنیادی، تهران: انتشارات نورپردازان. کاظمی، ف. (۱۳۹۱). آغازگرهای متنی در فارسی و انگلیسی بر پایه نقشگرایی مایکل هلیدی، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس زبان‌شناسی نقشگرا، انتشارات حوزه‌معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، صص ۹۷-۸۳.

کاووسی‌نژاد، س. (۱۳۸۱). ساخت مبتدا-خبری در فارسی و اهمیت آن در انسجام متن: نگرشی نقشگرا، رساله دکتری دانشگاه تهران.

- منصورفر، ک. (۱۳۷۶). *روش‌های آماری*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهاجر، م. و نبوی، م. (۱۳۷۶). *به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقش‌گرا*، تهران: نشر مرکز.
- نبوی، م. (۱۳۷۳). *از زبان تا شعر، یک رهیافت زبان‌شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نگهدار، ف. و مجیدزاده، س. (۱۳۸۷). *آناتومی استخوان و مفاصل با اصطلاحات آناتومی*، تهران: انتشارات نور دانش.